

The Subjective Vitality of Female Students: The Role of Attachment Styles and Alienation from Parents with the Mediation of Basic Psychological Needs

Parvaneh Alaei¹  | Ladan Vaghef²  | Fatemeh Nadimi³ 

1. Corresponding Author , Assistant Professor, Department of Family Studies, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.
E-mail: Alaei@Azaruniv.ac.ir.
2. Associate Professor, Department of Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. E-mail: L.vaghef@Azaruniv.ac.ir.
3. M.A. Women Studies, Azarbaijan Shahid Madani University. E-mail: Nadimi.Fatemeh55@gmail.com.

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received:15 January 2024 Received in revised form: 16 August 2024 Accepted:9 December 2024 Published online: 21 December 2024 Keywords: Adolescent, Alienation from parents, Attachment styles, Basic psychological needs, Subjective vitality, Students.	The aim of this research was to determine the role of attachment styles and alienation from parents in explaining the subjective vitality of female students through the mediation of basic psychological needs. The statistical population of this descriptive-correlational research was about 3300 people and included all female students of public highschools in Tabriz city (2022), of which 250 people were selected by available sampling method and answered to the research instruments by online which were included questionnaires of Ryan and Fredick's subjective vitality (1997), Hazen and Shaver's attachment styles (1987), alienation from parents of Gardner (2001), and the basic psychological needs of Guardia and et al (2000). The results of data analysis using of SPSS16 and AMOS24 softwares showed that In addition to the good fit of the research model (RMSEA = 0.05), attachment styles had a direct effect and an indirect effect on subjective vitality due to the psychological need for communication ($P < 0.05$). Alienation from parents only had a direct effect on subjective vitality ($P < 0.01$). A positive relationship was found between secure style and basic psychological needs with the Subjective vitality of female students; this relationship between avoidant and ambivalent styles and alienation from parents was negative ($P < 0.01$). Considering the research findings, it is important to make suitable policies and hold educational workshops for the target groups in order to strengthen secure attachment styles, reduce alienation from parents and meet psychological needs in promoting the subjective vitality of adolescent girls.
Cite this article: Alaei, P., Vaghef, L., & Nadimi, F. (2024). The Subjective Vitality of Female Students: The Role of Attachment Styles and Alienation from Parents with the Mediation of Basic Psychological Needs. <i>Journal of Educational Psychology Studies</i>, 21 (56), 74-107. DOI: 10.22111/JEPS.2024.47729.5643	
 © The Author(s). DOI: 10.22111/JEPS.2024.47729.5643 Publisher: University of Sistan and Baluchestan	



نشاط ذهني دانش آموزان دختر: نقش سبک‌های دلبستگی و بيگانگی از والدين با

میانجیگری نیازهای اساسی روانشناختی

پروانه علائی^۱ | لادن واقف^۲ | فاطمه ندیمی^۳

۱. نویسنده‌ی مسئول، استادیار، گروه مطالعات خانواده، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران رایانامه: P.alae@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: l.vaghef@azruniv.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد، مطالعات زنان، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه: nadimi.fatemeh55@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف این پژوهش، تعیین نقش سبک‌های دلبستگی و بیگانگی از والدین در تبیین نشاط ذهنی دانش‌آموزان دختر با میانجیگری نیازهای اساسی روانشناختی بود. جامعه آماری این پژوهش توصیفی - همبستگی حدوداً ۳۳۰۰ نفر و شامل همه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه مدارس دولتی شهر تبریز (۱۴۰۰-۱۴۰۱) بود که ۲۵۰ نفر آنان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به صورت آنلاین به ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های نشاط ذهنی ریان و فردیک (۱۹۹۷)، سبک‌های دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، بیگانگی از والدین گاردنر (۲۰۰۱) و نیازهای اساسی روانشناختی گاردیا و همکاران (۲۰۰۰) پاسخ دادند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-16 و AMOS24 نشان داد که ضمن برآزش خوب مدل پژوهشی ($RMSEA = 0/05$)، سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا اثر مستقیم و به واسطه نیاز روانشناختی ارتباط اثر غیرمستقیم بر نشاط ذهنی داشتند ($P < 0/05$). بیگانگی از والدین فقط اثر مستقیم بر نشاط ذهنی داشت ($P < 0/01$). بین سبک ایمن و نیازهای اساسی روانشناختی (ارتباط، شایستگی و خودمختاری) با نشاط ذهنی دانش‌آموزان دختر رابطه مثبت بدست آمد؛ این رابطه بین سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا و بیگانگی از والدین با نشاط ذهنی منفی بود ($P < 0/01$). با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهشی، سیاست‌گذاری‌های کلان مناسب و برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای گروه‌های هدف در راستای تقویت سبک‌های دلبستگی ایمن، کاهش بیگانگی از والدین و تامین نیازهای روانشناختی در ارتقای نشاط ذهنی دختران نوجوان اهمیت دارد.
واژگان کلیدی:	
بیگانگی از والدین،	
دانش آموز،	
سبک‌های دلبستگی،	
نشاط ذهنی،	
نوجوان،	
نیازهای اساسی روانشناختی.	

استناد: علائی، پروانه؛ واقف، لادن؛ و ندیمی، فاطمه (۱۴۰۳). نشاط ذهنی دانش‌آموزان دختر: نقش سبک‌های دلبستگی و بیگانگی از والدین با میانجیگری

نیازهای اساسی روانشناختی. *مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۲۱ (۵۶)، ۷۴-۱۰۷.

DOI: 10.22111/JEPS.2024.47729.5643



مقدمه

نوجوانی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی محسوب می‌شود و همراه با تغییرات اساسی و سریع جسمانی، هورمونی، شناختی، رفتاری و هیجانی است (کواکس – بالین^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). پیامد احتمالی چنین تغییرات چشمگیری بروز نابهنجاری‌ها و بدکارکردی‌های گوناگون است (گولومبیک^۲ و همکاران، ۲۰۲۰)، به نظر می‌رسد شناخت این نابهنجاری‌ها و درمان درست و مناسب آن، بواسطه آگاهی همه‌جانبه از رشد طبیعی و بهنجار دوره نوجوانی ممکن می‌شود (گلدن^۳، ۲۰۲۳). در این دوره بحرانی، نوجوانان در پی نشان دادن شایستگی و خودمختاری هستند و همین مساله باعث بروز تعارضات و کشمکش‌های والد – فرزندی می‌شود. تفاوت در دیدگاه‌ها و انتظارات والدین و فرزندان می‌تواند منجر به مشکلات و مسائل مختلف در نوجوانان شده و حتی منجر به اختلالات روانپزشکی شود (سارمان و تونکای^۴، ۲۰۲۳). بنابراین، پرداختن به دوره نوجوانی و عوامل موثر در سلامت و بهزیستی او از اهمیت برخوردار است.

نشاط ذهنی^۵ بازتاب‌دهنده سلامت جسمانی و روانشناختی است (مایکو^۶ و همکاران، ۲۰۱۵) به نقل از تفرجی و یوسفی، (۱۴۰۰) و از احساس آزادی، استقلال و انگیزش درونی سرچشمه گرفته و باعث شکل‌گیری تجارب درونی سرشار از انرژی می‌شود (جو^۷، ۲۰۱۷). انشاط ذهنی در متن نظریه خودتعیین‌گری^۸ مطرح شده و نمودی از خودتنظیمی و بهزیستی افراد محسوب می‌شود که فراتر از کسب لذت ناشی از ارضای نیازها (رایان و دسی، ۲۰۰۰) یا برانگیختگی، فعال‌بودن و یا داشتن

^۱ Kovacs-Balint

^۲ Golombek

^۳ Golden

^۴ Sarman & Tuncay

^۵ subjective vitality

^۶ Mico

^۷ Ju

^۸ self-determination theory

انرژی بدنی محض است (رایان و فردریک^۱، ۱۹۹۷). نشاط ذهني نوعی تجربه روان‌شناختی است که افراد به واسطه آن احساس شادابی و سرزندگی درونی می‌کنند (رایان و دسی، ۲۰۰۰) و سرشار از انرژی درونی و شوق زندگی هستند (بوستیک^۲ و همکاران، ۲۰۰۰).

نشاط، موجب نگرش مثبت به زندگی و ایجاد پیامدهای مثبت می‌شود (افشانی، ۱۳۹۴). تحقیقات نشان داده است که نشاط ذهني با امیدواری (مویان-یلیک^۳، ۲۰۲۲)، عزت نفس (ابوالقاسمی‌نژاد و همکاران، ۲۰۲۳)، تاب‌آوری (مارتینز-گونزالز^۴، ۲۰۲۰)، معنای زندگی (جو، ۲۰۱۷)، عواطف مثبت (دانوی و ماگوری^۵، ۲۰۲۴) و با شاخص‌های سلامت عمومی و روانی (رایان و فردریک، ۱۹۹۷؛ متیک و موسیل^۶، ۲۰۲۳) مرتبط است. در کنار پیامدهای مثبت بالا بودن سطح نشاط ذهني، سطح پایین آن در افراد جامعه از جمله جوانان، می‌تواند منجر به ناتوانی، کاهش عملکرد و افزایش مرگ‌ومیر شود (آولند^۷، ۲۰۱۰ به نقل از تفرجی و یوسفی، ۱۴۰۰). افراد ناشاد و ناراضی از زندگی، بیشتر از افسردگی و اضطراب و پیامدهای این دو اختلال رنج می‌برند؛ اقدام به خودکشی و مرگ‌ومیر در آنان بیشتر است و عمر کوتاه‌تری دارند (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین، نشاط ذهني به عنوان عامل مقاومتی در برابر رفتارهای خطرآفرین مطرح شده است (قنبری طلب و فولادچنگ، ۱۳۹۴، محمدی حسینی‌اصل و همکاران، ۱۴۰۱).

^۱ Ryan & Frederick

^۲ Bostic

^۳ Muyan-Yılık

^۴ Martínez-González

Maguire&° Devoy

^۶ Matic & Musil

^۷ Avuland

نشاط ذهني در افراد مختلف متفاوت و تحت تأثير عوامل جسمي و روان‌شناختي قرار دارد (خليلي تجربه و احمديان، ۱۳۹۸). مبتني بر تحقيقات، سبك‌هاي دلبستگي^۱ يكي از اين عوامل است (مغازه و همكاران، ۱۴۰۲). دلبستگي به تجارب اوليه فرد با والدين يا نوع والدين خود در دوران كودكي اشاره دارد كه به سه سبك دلبستگي ايمن^۲، ناايمن اضطرابي/دوسوگرا^۳ و ناايمن اضطرابي/اجتنابي^۴ تقسيم شده (بابانوري و همكاران، ۱۴۰۳) و به‌عنوان طرحواره‌هاي كلي درباره روابط با افراد مهم زندگي عمل كرده و بر انتظارات فرد اثر مي‌گذارد؛ اينكه جهان چگونه كار مي‌كند و مردم چگونه رفتار مي‌كنند و تعامل دارند (بالوك^۵ و همكاران، ۲۰۱۵). نقش سبك‌هاي دلبستگي مكرر توسط هازان و شيور^۶ (۱۹۸۷) و ساير پژوهشگران در روابط بزرگسالي مورد مطالعه قرار گرفته است، براي مثل كولينز و ريد^۷ (۱۹۹۴) توصيف مي‌كنند كه افراد با سبك دلبستگي ايمن، در برقراري روابط با ديگران احساس راحتی نموده و نزديكي و دوري ديگران آن‌ها را نگران نمي‌كند، آنان به ديگران اعتماد دارند و اجازه مي‌دهند ديگران به آنان تكيه نموده و مي‌توانند به آساني به ديگران تكيه كنند. اما افراد با سبك دلبستگي اجتنابي، نمي‌توانند به طور كامل به ديگران اعتماد نموده و تكيه كردن به ديگران برايشان مشكل است و از نزديك شدن به ديگران يا نزديكي آنان احساس ناراحتي و ناامني مي‌كنند. همين‌طور افراد با سبك دلبستگي دوسوگرا، فكر مي‌كنند آنقدر كه آنها دوست دارند، ديگران ماييل به برقراري رابطه نزديك و صميمي با آن‌ها نيستند (به نقل از آقايفسفي و همكاران، ۱۳۹۴). مطالعات نشان مي‌دهد كه سبك‌هاي دلبستگي بر بهزيستي رواني نوجوانان موثر

^۱ attachment styles^۲ Safe^۳ Ambivalent^۴ Avoidance^۵ Blalock^۶ Hazan & Shaver^۷ Collins & Read

است (جعفری و همکاران، ۱۴۰۲)؛ دلبستگی ایمن با عزت نفس بیشتر، اضطراب و مشکلات رفتاری کمتر و کیفیت زندگی بالاتر همراه است (لیو^۱، ۲۰۰۸) و افراد با دلبستگی اجتنابی نسبت به دوسوگراها، افسردگی و خشونت بیشتر و به‌طور کلی سلامت روانی پایین‌تری را تجربه می‌کنند (دلاورپور و لطیفیان، ۱۳۹۱). همچنین، محققان دریافتند که افراد با سبک‌های دلبستگی متفاوت در روابط خود، هیجان‌های متفاوتی را تجربه می‌کنند (میخولینسر^۲ و شیور، ۲۰۰۳)؛ سبک دلبستگی ایمن با نشاط ذهني بالا و درمقابل، سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا با نشاط ذهني پایین همراه است (موناکو^۳ و همکاران، ۲۰۱۹)؛ محمدی حسینی اصل و همکاران، ۱۴۰۱؛ مغازه و همکاران، ۱۴۰۲).

علاوه بر سبک‌های دلبستگی، مستندات پژوهشی دلالت بر آن دارد که خانواده و عوامل مرتبط با آن از عوامل بافتی موثر بر نشاط ذهني محسوب می‌شوند (موسیوند، ۱۴۰۰؛ زارع و همکاران، ۱۴۰۱)، مبتنی بر شواهد پژوهشی، رابطه والد – فرزندی نقش مهمی در سلامتی، پشتکار، خوشبختی، روابط، شادی و بطور کلی بهزیستی ذهني^۴ نوجوانان دارد (والش^۵ و همکاران، ۲۰۲۴) و پیوند با والدین اثر مستقیم و غیرمستقیم بر نشاط ذهني دانش‌آموزان دارد (زارع و همکاران، ۱۴۰۱). در این راستا، نشانگان بیگانگی از والدین^۶ از متغیرهای مرتبط با خانواده و موثر در پیش‌بینی نشاط ذهني نوجوانان است (موناکو و همکاران، ۲۰۱۹) که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران و روانشناسان قرار گرفته است (مارکوس^۷ و همکاران، ۲۰۲۰). بیگانگی از والدین به عنوان یک رفتار مشکل‌ساز سلامتی

^۱ Liu^۲ Mikulincer^۳ Mónaco^۴ subjective well-being^۵ Walsh^۶ parental alienation syndrome^۷ Marques

به پدیده بیزاری در رابطه والدین - فرزند اشاره دارد که در آن، کودک به طور مداوم یکی از والدین خود را بدون توجیه واضحی، [تحقیر](#) کرده و به او توهین کند. این رفتار می تواند در پی «[شستشوی مغزی](#)» کودک توسط یکی از والدین علیه والد دیگر رخ بدهد یا این که انگیزه آن در خود کودک باشد یا جمعی از عوامل دیگر. ایجاد بیزاری توسط والدین، فرایندی است که در آن، یکی از والدین به عمد در رابطه ی کودک و والد دیگر اختلال ایجاد می کند ([گاردنر^۱](#)، ۲۰۰۱) و برآورد می شود حدود یک درصد کودکان و نوجوانان آمریکایی بیگانگی از والدین را تجربه می کنند و از این رو، به نظر می رسد زمان آن فرارسیده است که در طبقه بندی تشخیصی اختلالات روانی - رفتاری گنجانده شود ([برنت^۲ و همکاران](#)، ۲۰۱۰). بیگانگی از والدین می تواند باعث ایجاد برخی آسیب ها در کودک شده و [اعتماد به نفس](#) و اعتماد به والدین را در او کاهش دهد یا حتی موجب شود دید او نسبت به والدین خود منفی شده و به طور ناخودآگاه تصمیم بگیرد از آنان دوری نماید ([سیربو^۳ و همکاران](#)، ۲۰۲۱). درواقع، بیگانگی از والدین شکلی از خشونت ناشناخته خانوادگی به شمار می رود ([هرمن^۴](#) و [همکاران](#)، ۲۰۱۸) که در آن یکی از والدین از کودک برای کنترل والد دیگر استفاده می کند ([پوستی^۵](#) و [همکاران](#)، ۲۰۱۸). انتقاد و بدگویی مبالغه آمیز یک والد از دیگری نزد فرزندان، جدا از ایجاد آشفتگی ذهنی و روانی، گونه ای حس نفرت از خود در فرزند ایجاد می کند که گاه در عمق وجود او ریشه دوانده و تا پایان عمر همراه اوست. بیشتر کودکان و نوجوانانی که همواره به ناروا از پدر یا مادرشان بد گفته اند و بد شنیده اند، [عزت نفس](#) کافی ندارند، مضطربند، گاهی به [افسردگی](#)، و گاه حتی به [نفرت](#) از خود گرفتار می شوند. برخی از این فرزندان نیز، وقتی مستقل می شوند یا سال های

^۱ Gardner^۲ Bernet^۳ Sîrbu^۴ Harman^۵ Poustie

بسیاری را در بزرگسالی بدون حضور و نفوذ والدینشان سپری می‌کنند، درمی‌یابند که داوری‌شان نسبت به مادر یا پدرشان منصفانه نبوده و تلاش می‌کنند رابطه‌شان را با والدی که از خود رانده و رنجانده‌اند، ترمیم کنند (کلی و جانسون^۱، ۲۰۰۱؛ لاونشتین^۲، ۲۰۱۱؛ کویورک و شیمشک^۳، ۲۰۱۶؛ برنت و همکاران، ۲۰۱۰).

در حالیکه تحقیقات صراحتاً بر نقش روابط والد - فرزندی در نشاط ذهني نوجوانان تاکید دارند (موسیوند، ۱۴۰۰؛ کیوی^۴ و همکاران، ۲۰۲۳)، ارتباط نیازهای اساسی روانشناختی^۵ و نشاط ذهني نیز مورد پژوهش و مطالعه قرار گرفته است (اینگولیا^۶ و همکاران، ۲۰۲۳؛ کیوی و همکاران، ۲۰۲۳؛ ورگارا-تورز و همکاران^۷، ۲۰۲۰؛ محمدی حسینی اصل و همکاران، ۱۴۰۱). نظریه نیازهای اساسی روانشناختی به عنوان نیروی انگیزشی برای برقراری ارتباط فعال با محیط، پرورش مهارت‌ها و رشد سالم مطرح شده است، این نیازها به صورت فطری در تمامی انسان‌ها وجود دارند و عبارت‌اند از: نیاز به خودمختاری^۸، شایستگی^۹ و ارتباط^{۱۰} (رایان و دسی^{۱۱}، ۲۰۰۰). خودمختاری عبارت است از نیاز به تجربه کردن، انتخاب آغاز و تنظیم رفتار توسط خویشتن؛ شایستگی نیاز به مؤثر بودن در تعامل با محیط که بیانگر میل به کاربرد استعداد، مهارت‌ها و دنبال کردن چالش‌های بهینه و تسلط یافتن بر آنهاست؛ ارتباط یعنی نیاز به برقراری پیوندها و دلبستگی‌های عاطفی با دیگران، این نیاز بیانگر میل

^۱ Kelly & Johnston

^۲ Lowenstein

^۳ Kocayörük & Şimşek

^۴ Qi

^۵ basic psychological needs

^۶ Inguglia

^۷ Vergara-Torres

^۸ Autonomy

^۹ competence

^{۱۰} relatedness

^{۱۱} Deci

به ارتباط عاطفی و درگیر بودن در روابط صمیمانه است (امانی و همکاران، ۱۳۹۳). اگر نیازهای روان‌شناختی برآورده شوند، احساس اعتماد به نفس و خودارزشمندی در افراد شکل می‌گیرد و در غیر این صورت، فرد ادراکی شکننده، منفی، بیگانه و انتقادآمیز از خود پرورش خواهد داد (چن و جانگ^۱، ۲۰۱۰). مبتنی بر یافته‌های پژوهشی، تامین نیازهای اساسی روان‌شناختی در نشاط ذهنی نوجوانان اثر مثبت دارد (موسیوند، ۱۴۰۰؛ کیوی و همکاران، ۲۰۲۳؛ محمدی حسینی اصل و همکاران، ۱۴۰۱). برطرف شدن نیازهای اساسی روان‌شناختی، به ویژه نیاز به خودمختاری و نیاز به ارتباط، با نشاط ذهنی مرتبط است و به عنوان یک حالت روان‌شناختی مثبت با شرایط و فعالیت‌هایی که موجب ارضای این نیازها می‌شود، همراه است (توق^۲ و همکاران، ۲۰۱۷ به نقل از تفرجی و یوسفی، ۱۴۰۰). به‌طورکلی، تامین یا ناکامی نیازها می‌تواند بر بهزیستی ذهنی اثر بگذارد (هاول و دمونک^۳، ۲۰۲۳).

از سویی دیگر، نظام‌های آموزشی همواره در جستجوی عواملی هستند که بر پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان اثرگذار باشند و پیشرفت تحصیلی نسل جدید را تضمین کنند. در نتیجه، شناخت عوامل مؤثر بر پیشرفت و عملکرد تحصیلی نوجوانان، رویکردی مناسب در جهت برنامه‌ریزی و برنامه‌های آموزشی به وجود می‌آورد (قدم‌پور و همکاران، ۱۳۹۵)؛ بویژه این که دوره نوجوانی از مهمترین دوره‌های سنی و انتقال از کودکی به بزرگسالی محسوب شده و نوجوانان از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی به‌شمار می‌آیند (پیشخور و همکاران، ۱۳۹۹). در این راستا، مرور پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که نشاط ذهنی موجب نگرش مثبت به زندگی، خودپنداره مثبت، نگرش مطلوب و عملکرد مؤثر و مناسب شغلی و تحصیلی می‌گردد (ماک^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). بر اساس شواهد

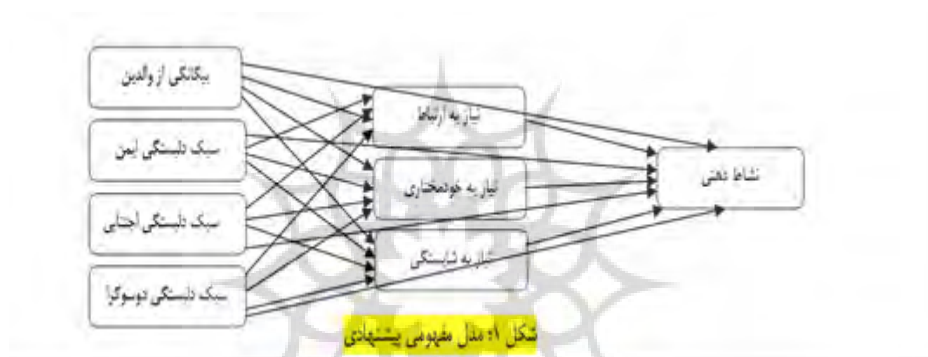
^۱ Chen & Jang^۲ Tough^۳ Howell & Demuyneck^۴ Mack

تحقيق، بين برآورده شدن نيازهای اساسی روان‌شناختی با نشاط ذهني دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (شيخ‌الاسلامی و دفترچی، ۱۳۹۴) و به ترتيب برآورده‌شدن نيازهای اساسی روان‌شناختی خودمختاری، شایستگی و ارتباط همبستگی بالایی با تجربه عواطف مثبت در جوانان دارد (هان و اویشی^۱، ۲۰۰۶). از جمع‌بندی یافته‌هایی از این دست، می‌توان تلویحا نتیجه گرفت نوجوانانی که نشاط ذهني بالایی دارند، بهتر می‌توانند خود را با چالش‌ها و موانع تحصیلی سازگار کنند. از این‌رو، بسیار حائز اهمیت است که دانش‌آموزان دارای نشاط ذهني باشند. در چنین شرایطی، نظام آموزشی و خانواده‌ها می‌توانند از این اطمینان برخوردار باشند که علی‌رغم شرایط نامساعد احتمالی و دشواری‌های تحصیلی، دانش‌آموزان با تلاش و جدیت و عملکرد مطلوب می‌توانند شایستگی‌های تحصیلی خود را نشان دهند (شيخ‌الاسلامی و دفترچی، ۱۳۹۴). شناسایی عوامل مؤثر بر نشاط ذهني و هیجان‌های تحصیلی می‌تواند اقدامات آموزشی بعدی جهت افزایش نشاط ذهني و هیجان‌های تحصیلی مثبت را تسهیل نماید، با شناسایی متغیرهای تأثیرگذار است که می‌توان بر فعالیت‌های آموزشی و مداخله‌ای مؤثر و مناسب تمرکز نمود. غایت نظام آموزشی، پرورش یادگیرندگانی است که با نشاط ذهني و هیجان‌های مثبت به فعالیت تحصیلی بپردازند و در راستای آن آرمان‌های نظام آموزشی که همانا پرورش یادگیرندگانی با روحیه تحصیلی مثبت، سخت‌کوش و موفق است، تأمین گردد (کهولت و جوکار، ۱۳۹۱). علاوه بر موارد مذکور، باید توجه داشت که سازه نشاط ذهني به‌تازگی وارد ادبیات پژوهشی روان‌شناسی تربیتی شده است و تاکنون پژوهش‌های اندکی به بررسی این سازه پرداخته‌اند. بویژه آنکه گسترش پاندمی کرونا و تغییر شرایط زندگی، نشاط و شادی را در میان گروه‌های مختلف تحت تأثیر قرار داده است و برخی مشکلات سلامتی را به دنبال داشته است (فتحی و همکاران، ۱۴۰۲؛ ارسلان^۲ و همکاران، ۲۰۲۲).

^۱ Hahn & Oishi

^۲ Arslan

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد پرداختن به موضوع نشاط‌ذهنی در بین دانش‌آموزان به ویژه دختران به عنوان مادران آینده، حایز اهمیت بسیار است، مرور ادبیات پژوهشی نیز، نشان می‌دهد تحقیقاتی که به مطالعه متغیرهای برخاسته از خانواده بویژه نشانگان بیگانگی از والدین، در رابطه با نشاط‌ذهنی در جامعه موردنظر پردازد، بسیار محدود است. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال اساسی است که آیا نیازهای اساسی روان‌شناختی در ارتباط بین بیگانگی از والدین و سبک‌های دلبستگی با نشاط‌ذهنی دانش‌آموزان دختر شهر تبریز نقش واسطه‌ای دارد؟



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها جزو پژوهش‌های توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه مشغول به تحصیل (۱۴۰۱-۱۴۰۰) در مدارس دولتی شهر تبریز بود که تعداد آنان تقریباً ۳۳۰۰ نفر گزارش شد. با توجه به طرح تحقیق (به ازای هر متغیر ۱۵ آزمودنی) و با در نظر گرفتن پاسخنامه‌های نامعتبر احتمالی حجم نمونه آماری ۲۵۰ نفر لحاظ شد. همچنین، با توجه به شرایط کرونایی و عدم حضور فیزیکی کامل دانش‌آموزان در مدارس، نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای و دردسترس (سهل‌الوصول) انجام گرفت و داده‌ها به صورت آنلاین گردآوری شد؛ به این ترتیب که بعد از

انتخاب دو ناحیه از نواحی پنجگانه آموزش و پرورش شهر تبریز، از هر ناحیه چهار مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و وارد پژوهش شد. لینک پرسشنامه برای دانش‌آموزان آن مدرسه از طریق شبکه‌های اجتماعی مرتبط با مدرسه ارسال و از آنان جهت همکاری با پژوهش دعوت شد؛ قبل از ورود به صفحه سوالات، در خصوص پژوهش و هدف آن و نحوه پاسخدهی به سوالات و محرمانه بودن پاسخ‌ها توضیحاتی ارائه شده بود که با موافقت پاسخگو، امکان ورود به صفحه سوالات ایجاد می‌شد. دانش‌آموزانی که یک یا هر دو والد خود را از دست داده بودند یا با کسان دیگری زندگی می‌کردند، از نمونه آماری کنار گذاشته شدند. ابزار پژوهشی عبارت بود از:

پرسشنامه نشاط ذهني: این پرسشنامه ۷ سوالی یک ابزار خودسنجی برای سنجش نشاط ذهني است که توسط [رایان و فردریک^۱ \(۱۹۹۷\)](#) ساخته شده و به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود، بازه نمرات از ۷ الی ۳۵ است و نمرات بیشتر نشانگر نشاط ذهني بیشتر آزمودنی است؛ نمره‌گذاری معکوس وجود ندارد. در پژوهش [میلیاواسکایا و کوستنر^۲ \(۲۰۱۱\)](#) پایایی مقیاس به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش شده و روایی سازه‌ای آن نیز به روش تحلیل عاملی مورد تایید قرار گرفته است. در ایران نیز، ضریب پایایی مقیاس، ۰/۸۱ گزارش شده و روایی آن از طریق همبستگی سوالات با نمره کل در دامنه ۰/۵۷ تا ۰/۸۶ بدست آمده است ([شیخ‌الاسلامی و دفترچی، ۱۳۹۴](#)). در پژوهش [تنهای رشوانلو و همکاران \(۱۳۹۷\)](#) روایی آن به شیوه عاملی و همبستگی همگرا به تایید رسیده است و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۸ گزارش شد. در پژوهش حاضر نیز، پایایی پرسشنامه با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ محاسبه شد.

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی: این پرسشنامه ۱۵ سوالی که توسط هازان و شیور (۱۹۸۷) ساخته شده است، سه سبک دلبستگی ایمن (سوالات ۱-۵)، اجتنابی (سوالات ۶-۱۰) و دوسوگرا (سوالات

^۱ Frederick

^۲ Milyavskaya & Koestner

۱۱-۱۵) را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت می‌سنجد، نمره‌گذاری معکوس ندارد و بازه نمرات در هر خرده مقیاس از ۵ الی ۲۵ است؛ نمرات بیشتر در هر سبک نشان‌دهنده برجستگی آن سبک است. روایی آزمون برای سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ گزارش شده است (روشن قیاس و همکاران، ۱۳۹۵). همسانی درونی آن به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۸۴ و ۰/۸۵. گزارش شده است (خالق‌خواه و بابائی‌منقاری، ۱۳۹۳). پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در جمعیت دانش‌آموزی برای سبک‌های دلبستگی، ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب برابر با ۰/۶۹، ۰/۶۴ و ۰/۶۸ گزارش شده است (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۲). در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ برای سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب برابر با ۰/۶۲، ۰/۶۹ و ۰/۶۶ بدست آمد.

پرسشنامه بیگانگی از والدین: این پرسشنامه ۲۴ سوالی توسط گاردنر (۱۹۸۵) برای سنجش کیفیت روابط فرزندان با والدین و بیگانگی از آنان ساخته شده است که شامل هشت خرده مقیاس تحقیر والدین - والد (۳-۱)، بحث غیرمتقاعدکننده (۴-۶)، فقدان تردید (۷-۹)، پدیده متفکر و مستقل (۱۰-۱۲)، حمایت بی قید و شرط (۱۳-۱۵)، بی‌گناهی (۱۶-۱۸)، سناریوهای اقباسی (۱۹-۲۱) و فرافکنی خصومت و دشمنی به دیگر افراد فامیل (۲۲-۲۴) است. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت بوده و دامنه نمرات از ۰ الی ۹۶ است، نمره‌گذاری سوالات ۱، ۲ و ۳ به صورت معکوس بوده و نمرات بیشتر نشان‌دهنده بیگانگی بیشتر است؛ نمره کل متغیر بیگانگی از والدین از مجموع نمرات ۸ زیرمقیاس محاسبه می‌شود (گاردنر، ۲۰۰۱). در این پژوهش از نمره کلی استفاده شده است و ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه نیازهای اساسی روانشناختی: این پرسشنامه ۲۱ سوالی توسط رایان و همکاران (۲۰۰۰) برای سنجش نیازهای اساسی/بنیادین روانشناختی ساخته شده و در ایران توسط دفترچی و شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۲) ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است. این آزمون شامل سه نمره برای سه

خرده مقیاس خودمختاری (۱، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۰)، شایستگی (۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۹) و ارتباط (۲، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۱) است که در طیف لیکرت هفت درجه‌ای پاسخ داده می‌شود، به این ترتیب دامنه نمرات از ۲۱ الی ۱۴۷ متغیر است. سوالات (۳، ۴، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰) دارای نمره‌گذاری معکوس بوده و نمرات بیشتر نشان‌دهنده برجستگی بیشتر آن نیاز است. این مقیاس در نمونه‌ی دانش‌آموزان ایرانی از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است و ضریب آلفای کرونباخ آن تا ۰/۸۰ هم گزارش شده است (شیخ‌الاسلامی و دفترچی، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ کل برای سه خرده مقیاس خودمختاری، شایستگی و ارتباط به ترتیب برابر با ۰/۶۷، ۰/۶۹ و ۰/۸۱ محاسبه شد.

یافته‌ها

تحلیل مقدماتی شرکت‌کنندگان در تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS نشان داد که ۵۲ نفر در پایه دهم (۲۰/۸ درصد)، ۹۶ نفر (۳۸/۴ درصد) در پایه یازدهم و ۱۰۲ نفر (۴۰/۸ درصد) در پایه دوازدهم مشغول به تحصیل بودند؛ از این تعداد، ۸۴ دانش‌آموز (۳۳/۶ درصد) در گروه علوم انسانی، ۱۰۹ دانش‌آموز (۴۳/۶ درصد) در گروه علوم تجربی و ۵۷ نفر (۲۲/۸ درصد) دانش‌آموز در گروه ریاضی مشغول به تحصیل بودند. در ادامه، شاخص‌های توصیفی و پراکندگی متغیرهای تحقیق و نرمال بودن توزیع بررسی شد:

جدول ۱: شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش و مفروضه نرمال بودن توزیع

متغیرهای پژوهش	نمره کمینه	نمره بیشینه	میانگین	انحراف معیار	مقدار Z	معناداری
سبک دلبستگی ایمن	۱۰	۲۳	۱۷/۴۶	۵/۶۷	۱/۱۸۶	۰/۱۰۴
سبک دلبستگی اجتنابی	۹	۳۳	۱۹/۹۱	۹/۱۱	۱/۳۲۴	۰/۰۵۶

۰/۰۷۴	۱/۲۹۱	۷/۹۹	۱۷/۱۶	۳۱	۹	سبک دلبستگی دوسوگرا
۰/۲۵۲	۱/۰۱۷	۱۴/۴۳	۵۶/۸۸	۸۱	۲۹	بیگانگی از والدین
۰/۰۷۳	۱/۳۰۲	۷/۹۳	۳۲/۲۸	۴۶	۱۸	نیاز به خودمختاری
۰/۱۷۴	۱/۱۰۵	۹/۰۵	۲۸/۴۶	۴۱	۱۳	نیاز به شایستگی
۰/۰۹۷	۱/۲۸۶	۶/۱۹	۳۲/۹۰	۴۶	۲۰	نیاز به ارتباط
۰/۳۰۷	۱/۰۰۴	۶/۹۵	۲۰/۲۰	۳۲	۹	نشاط ذهنی

قبل از انجام تحلیل مسیر و آزمون مدل پیشنهادی، داده‌های گمشده و پرت بررسی شد و نرمال بودن توزیع نمرات همه متغیرها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی و مورد تأیید قرار گرفت ($P > ۰/۰۵$). همچنین همه متغیرها در مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری شده و روابط آن‌ها با یکدیگر خطی بود، ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها نیز معنی‌دار بود:

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش ($n=۲۵۰$)

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۱	۱. دلبستگی ایمن
						۱	-۰/۶۵*	۲. دلبستگی اجتنابی
					۱	-۰/۲۸*	-۰/۳۶*	۳. دلبستگی دوسوگرا
				۱	۰/۲۸*	۰/۵۵*	-۰/۶۰*	۴. بیگانگی از والدین
			۱	-۰/۶۷*	۰/۰۲	-۰/۵۴*	-۰/۶۸*	۵. نیاز خودمختاری
		۱	۰/۸۱*	-۰/۵۸*	-۰/۰۴	-۰/۴۹*	۰/۵۷*	۶. نیاز شایستگی
	۱	۰/۳۹*	۰/۴۴*	-۰/۲۲*	۰/۲۴*	-۰/۴۴*	۰/۳۴*	۷. نیاز ارتباط
۱	۰/۴۳*	۰/۶۹*	۰/۷۶*	-۰/۷۴*	-۰/۱۹*	-۰/۷۶*	۰/۸۲*	۸. نشاط ذهنی

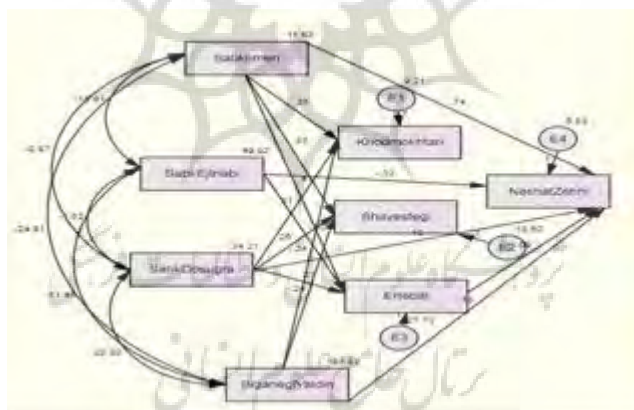
مطابق با جدول (۲) ضريب همبستگی بين تمام متغيرها به استثنای رابطه سبک دلبستگی دوسوگرا با نیاز به خودمختاری و شایستگی، معنی‌دار است ($P < 0/05$).

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزار ایموس، ابتدا برازش مدل بررسی شد؛ نتایج اولیه تحلیل مسیر نشان داد که رابطه علی سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) و بیگانگی از والدین با نشاط ذهني نوجوانان از طریق نیازهای اساسی روانشناختی (خودمختاری، شایستگی، ارتباط) با داده‌ها برازش خوبی دارد:

جدول ۳: شاخصهای برازش مدل نهایی پژوهش برای پیش‌بینی نشاط ذهني

RMSEA	CFI	IFI	GFI	p	χ^2/df	df	χ^2	شاخص‌های برازش
۰/۰۵۶	۰/۹۹۳	۰/۹۹۱	۰/۹۸۴	۰/۶۲۷	۱/۵۶۴	۸	۱۲/۵۱۵	مقادیر مدل
< ۰/۰۸	> ۰/۹۵	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۰۵	< ۳	--	--	مقادیر قابل قبول

مدل نهایی بعد از اصلاح مدل اولیه و حذف مسیرهایی غیرمعنی‌دار به صورت زیر بدست آمد:



شکل ۱: مدل نهایی اصلاح شده در حالت استاندارد

به منظور تعیین معناداری اثر متغیرهای واسطه‌ای از آزمون بوت استراپ استفاده شد. جدول شماره (۴)

ضرایب معنی‌دار مربوط به اثر مستقیم و نیز اثرات غیرمستقیم و کل را به سمت متغیر وابسته نشاط

ذهني نشان می‌دهد:

جدول ۴: اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش

متغیر	مسیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
دلبستگی ایمن (ارتباط)	نشاط ذهنی	۰/۷۴**	۰/۰۳۷**	۰/۷۸**
دلبستگی اجتنابی (ارتباط)	نشاط ذهنی	-۰/۳۲**	-۰/۰۲**	-۰/۳۴**
دلبستگی دوسوگرا (ارتباط)	نشاط ذهنی	۰/۱۰**	-۰/۰۲**	۰/۰۸*
بیگانگی از والدین	نشاط ذهنی	-۰/۱۳**		
ارتباط	نشاط ذهنی	۰/۰۹**		
دلبستگی ایمن	خودمختاری	۰/۸۵**		
دلبستگی ایمن	شایستگی	۰/۸۴**		
دلبستگی ایمن	ارتباط	۰/۴۰**		
دلبستگی اجتنابی	ارتباط	-۰/۲۱**		
دلبستگی دوسوگرا	خودمختاری	۰/۳۱**		
دلبستگی دوسوگرا	شایستگی	۰/۲۶**		
دلبستگی دوسوگرا	ارتباط	۰/۲۷**		
بیگانگی از والدین	خودمختاری	-۰/۲۴**		
بیگانگی از والدین	شایستگی	-۰/۲۴**		

** $P < ۰/۰۵$

همانطور که مدل نهایی و مندرجات جدول فوق نشان می‌دهد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا بر نشاط ذهنی نوجوانان از طریق نیاز اساسی روانشناختی ارتباط اثر غیرمستقیم و معنی‌دار دارد، اما بین سبک‌های دلبستگی و نشاط ذهنی نوجوانان از طریق نیاز به خودمختاری و شایستگی اثر غیرمستقیم وجود ندارد. همچنین، فقط اثر مستقیم بیگانگی از والدین بر نشاط ذهنی معنی‌دار است. دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی ایمن و دوسوگرا بر هر سه نیاز اساسی

روانشناختی مثبت و معنی‌دار است، اما فقط اثر مستقیم سبک دلبستگی اجتنابی بر نیاز به ارتباط معنی‌دار و منفی است. اثر مستقیم بیگانگی از والد بر نیاز به خودمختاری و شایستگی معنی‌دار و منفی است.

بحث و نتیجه‌گیری

در برخی نظریه‌ها مثل نظریه وین هاون^۱ (۱۹۹۱) اعتقاد بر اینست که نشاط انسان‌ها معلول تامین نیازهای اساسی و کلی مثل رفع گرسنگی و تشنگی و محافظت از گرما و سرما است؛ در مقابل، برخی نظریه‌های زمینه‌ای بر عواملی تاکید دارند که متناسب با زمان و شرایط افراد تغییر می‌یابد. بررسی زمینه‌های مختلف این امکان را فراهم می‌آورد تا چگونگی تجربه شادی و نشاط را دریافت ([رایان و دسی، ۲۰۰۰](#)). از این رو، پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش سبک‌های دلبستگی و بیگانگی از والدین در تبیین نشاط ذهني دانش‌آموزان دختر با میانجی‌گری نیازهای اساسی روانشناختی انجام شد.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با نشاط ذهني رابطه مثبت و بین سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا با نشاط ذهني رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های [مغازه و همکاران \(۱۴۰۲\)](#)؛ [یعقوبی و همکاران \(۱۳۹۹\)](#) و [موناکو و همکاران \(۲۰۱۹\)](#)، و [تریسان^۲ \(۲۰۲۱\)](#) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته توجه به نظریه دلبستگی و ویژگی‌های هر کدام از سبک‌های دلبستگی مفید خواهد بود. افراد با سبک دلبستگی ایمن، کسانی هستند که در تعاملات با دیگران احساس راحتی نموده و با اعتماد به خود و دیگران وارد تعاملات بین‌فردی شده و بهتر می‌توانند روابط بین‌فردی را مدیریت نمایند که نتیجه آن تجربه نشاط ذهني و سرزندگی هرچه بیشتر خواهند بود. اما، افراد با دلبستگی ناایمن اجتنابی به

^۱ Vienna Haven

^۲ Tristán

دلیل ترس دائمی از طرد شدن و با هدف در امان بودن از افکار پریشان‌کننده، تمایلی برای برقراری رابطه با دیگران نشان نداده و بطور کلی از تعاملات بین‌فردی پرهیز می‌نمایند، پیامد چنین رویکردی از دست دادن منابع حمایتی و تجربه احساس تنهایی و انزوا و در نتیجه، فقدان یا کاهش نشاط ذهنی خواهد بود. افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا با وجود نیاز به صمیمت و برقراری رابطه عاطفی با دیگران، به سبب ترس از دست دادن و طرد شدن از سوی دیگران محتاطانه عمل نموده و در روابط بین‌فردی خود را بی‌ارزش و غیرقابل پذیرش ارزیابی می‌کنند؛ بدیهی است خودپنداره منفی و تجربه چنین افکاری با نشاط ذهنی پایین همراه خواهد بود. [بتمن و جسرسون^۱ \(۲۰۰۸\)](#) نیز، معتقدند که سبک‌های دلبستگی بواسطه ایجاد سوگیری‌های شناختی متفاوت، سلامت روانی افراد را به صورت متفاوتی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که سبک دلبستگی ایمن، سوگیری مثبت داشته و نشاط ذهنی را بالا می‌برد؛ در حالیکه سبک‌های دلبستگی ناایمن، سوگیری منفی داشته و نشاط ذهنی را کاهش می‌دهند.

همچنین نتایج نشان داد که بین بیگانگی از والدین با نشاط ذهنی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. اگرچه شواهد پژوهشی که مستقیماً به بررسی رابطه بین بیگانگی از والدین و نشاط ذهنی پرداخته باشد، بسیار محدود است؛ اما نتایج برخی پژوهش‌ها نیز، دلالت بر تأثیر روابط والد - فرزندی بر نشاط ذهنی نوجوانان دارد ([موسیوند، ۱۴۰۰؛ زارع و همکاران، ۱۴۰۱؛ کیوی و همکاران، ۲۰۲۳](#)). در تبیین این یافته، باید توجه نمود که بر حسب نظریه گاردنر وقتی یک والدی به دلایل مختلفی مثل طلاق (در هر شکل آن) سعی می‌کند به شیوه‌های مختلف و عمدتاً منفی، فرزند را بر علیه والد دیگر تحریک کند، بیگانگی از والد شکل گرفته و باعث می‌شود که کودک دچار آشفتگی روانی شده و عواطف و هیجان‌های منفی و ناسالمی را تجربه نماید که حتی ممکن است منجر به

^۱ Bettmann & Jasperson

مشکلات روانی متعددی در بزرگسالی او شود و چه بسا به سبب احساس تعارض و گناه، احساس تنهایی و عدم ارزشمندی، و فقدان یک الگوی رفتاری مناسب از ایجاد روابط سالم و صمیمانه بزرگسالی نیز، محروم شود (مارکوس و همکاران، ۲۰۲۰؛ میرالز^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). با تجربه چنین وضعیتی به نظر می‌رسد که ارتباط منفی بین بیگانگی از والدین و نشاط ذهني قابل تبیین باشد. [زارع و همکاران \(۱۴۰۱\)](#) اینطور استدلال می‌کنند که مطابق با نظریه خودتعیین‌گری رایان و دسی، تعامل مثبت و سازنده والدین با فرزندان منجر به شکل‌گیری احساس شایستگی و خودارزشمندی شده که در نهایت، با تجارب مثبت سرزندگی و نشاط ذهني همراه خواهد بود.

یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد بین نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط با نشاط ذهني رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که با شواهد پژوهشی پیشین همراستا است ([شیخ‌الاسلامی و دفترچی، ۱۳۹۴؛ گارگوویچ و سوننز^۲، ۲۰۱۶؛ میلیاواسکایا و کوستنر^۳، ۲۰۱۱؛ ماک و همکاران، ۲۰۱۱](#)). در واقع، نشاط ذهني بازتابی از سلامت روانشناختی و جسمانی فرد است که با فعالیت‌ها، بافت‌ها و شرایطی که موجب ارضای نیازهای اساسی روانشناختی می‌شود، همراه است ([بنیامین و برندر ایلان^۴، ۲۰۱۸](#)). نیاز خودمختاری به نیاز فرد به احساس انتخاب خودآغازگری در انجام اعمال و تکالیف اشاره داشته، نیاز شایستگی به معنای نیاز به موثر بودن در تعاملات بین‌فردی بوده و دلالت بر شایستگی و توانمندی فرد در بکارگیری قابلیت‌ها، مهارت‌ها و مواجهه با چالش‌ها و تکالیف همسو با توانایی‌ها و چیره شده بر آن دارد، و ارتباط به نیاز به احساس اطمینان هنگام داشتن ارتباط با دیگران و پذیرش به عنوان فردی شایسته عشق و احترام توسط دیگران اشاره دارد ([ون استین کیست^۵ و همکاران، ۲۰۲۰](#)). تامین این نیازها مطابق با نظریه خودتعیین‌گری ([دسی و همکاران،](#)

^۱ Miralles^۲ Gargurevich & Soenens^۳ Binyamin & Brender-Ilan^۴ Vansteenkiste

[\(۲۰۱۷\)](#)، با عاملیت و تاثیرگذاری فرد و تجربه احساس توانمندی و ارزشمندی توصیف می‌شود که با نیمرخ افراد بانشاط همسو است. اصولاً افراد با نشاط، خود را توانمند و تاثیرگذار بر محیط پیرامون پنداشته و خویشان را به عنوان منبع اعمال خویش می‌شناسند ([جو، ۲۰۱۷](#)). از این رو، بخوبی می‌توان رابطه مثبت تامین نیازهای روانشناختی و تجربه نشاط ذهنی را درک و تبیین نمود. داشتن صلاحیت ایجاد تعاملات اجتماعی معنی‌دار و اثرگذار، داشتن قدرت انتخاب و تسلط بر انجام مهارت‌های مختلف منجر به خودپنداره مثبت، احساس خودکارآمدی و تجارب موفقیت‌آمیز در زندگی می‌شود که در نهایت به احساس سرزندگی و سطوح بالای نشاط ذهنی می‌انجامد ([رایان و فردریک، ۱۹۹۷](#)).

همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان داد که اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر نشاط ذهنی نوجوانان و اثر غیرمستقیم آن از طریق نیاز روانشناختی ارتباط معنی‌دار است، ولی در خصوص اثر واسطه‌ای نیاز به خودمختاری و شایستگی فرض پژوهشی تأیید نشد. یافته‌ها تا حدی با نتایج سایر تحقیقات همسو است ([فلتون و جوت^۱، ۲۰۱۳](#)؛ [عباسی و یوسفی، ۱۳۹۹](#)؛ [بای و خسروی، ۱۴۰۰](#)). در تبیین تأیید اثرات مثبت سبک دلبستگی ایمن، می‌توان گفت طبق مبانی نظری دلبستگی بالبی، دلبستگی ایمن احساس امنیت را برای افراد مهیا می‌سازد که به واسطه آن می‌توانند دنیایشان را کشف کرده، پاسخ‌های سازگارانه‌تری به محیط اطرافشان ارائه بدهند. وجود احساس ایمنی افراد را به اکتشاف و گشودگی شناختی نسبت به اطلاعات جدید، تشویق می‌کند. این احساس ایمنی، اعتماد به نفس لازم را برای خطر کردن، آموختن و به روز کردن مستمر الگوهای ارتباطی خود با دیگران و دنیا، فراهم می‌سازد. اعتماد به خود و اعتماد به دیگران دو ویژگی اساسی افراد ایمن به حساب می‌آیند. از آنجا که اعتماد به خود به عنوان یکی از مبانی درون روانی فرد دلبسته ایمن است، به وی این توانایی را

^۱ Felton & Jowett

می‌بخشد که در روابط میان‌فردی با مهارت، اطمینان و آرامش بیشتر به تعامل بپردازد؛ از سوی دیگر اعتماد فرد ایمن به دیگران که جزء مکمل اعتماد به خود است نیز، وی را در جلب کمک دیگران یاری می‌کند؛ بنابراین، سازگاری فرد با بافت‌های جدید را تسهیل می‌کند. هنگامی که در روابط، احساس امنیت وجود داشته باشد؛ افراد بهتر می‌توانند دست نیاز به سوی دیگران دراز کرده، از آنها حمایت کنند و با تعارض و استرس به گونه‌ای مثبت مواجه شوند؛ چنین روابطی شادتر، پایدارتر و سازگارانه‌ترند (امانی و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین، در شرایط احساس امنیت و اعتماد، افراد بهتر می‌توانند نیازهای اساسی (ارتباط) خود را تامین نموده و همانطور که پیشتر اشاره شده، تامین نیازهای روانشناختی به احساس سرزندگی و نشاط ذهني منتهی می‌شود. در تبیین معنی‌داری اثر غیرمستقیم و منفی سبک‌های دلبستگی ناایمن دوسوگرا و اجتنابی می‌توان گفت که دلبستگی ناایمن به سبب فقدان یا تزلزل اعتماد درونی و بین‌فردی، مانع ایجاد نگرش خودارزشمندی و خودپنداره مثبت شده و فرصت برقراری روابط سالم و رضایت‌بخش و مبتنی بر اعتماد را از فرد سلب می‌کند. احساس تردید درباره صمیمیت و اعتماد به دیگران و ترس از رها شدن منجر به پریشانی شده و فرد برای در امان نگهداشتن خود از ترس و رنج طرد شدن، به اجبار روابط خود را محدود کرده و عملاً امکان تامین نیازهای ارتباطی را از بین می‌برد؛ به واسطه عدم تامین نیاز به ارتباط، احساس سرزندگی و نشاط ذهني نیز تجربه نخواهد شد. در خصوص عدم معنی‌داری اثر واسطه‌ای نیازهای خودمختاری و شایستگی بر نشاط ذهني نوجوانان دختر به پژوهش‌های بیشتری نیاز است.

و در نهایت یافته‌های پژوهشی نشان داد که اثر مستقیم بیگانگی از والدین بر نشاط ذهني و نیازهای خودمختاری و شایستگی نوجوانان معنی‌دار و منفی بود. در تبیین آن می‌توان گفت که بر حسب نظریه گاردنر بیگانگی از والدین حاصل رفتارهای منفی در تعاملات والد-فرزند است که در طی آن رفتار مستقیم یا غیرمستقیم یک والد منجر به احساسات منفی فرزند نسبت به والد دیگر شده و حتی ممکن است به دوری یا نفرت از او و تعمیم این احساسات منفی به دیگران شود. این در

حالیست که تامین اولیه نیازهای روانشناختی در چارچوب تعاملات والد-فرزند صورت می‌پذیرد. پژوهشگران (گارگوویچ و سونز، ۲۰۱۶) نشان داده‌اند که کنترل والدین منجر به احساس فشار (ناکامی در خودمختاری)، حقارت و شکست (ناکامی در شایستگی) و از خودبیگانگی در ارتباط والد-فرزند (ناکامی در ارتباط) می‌شود. بنابراین، در روابط والد-فرزند خصومت‌آمیز که همراه با احساسات و رفتار منفی است، اساساً فرصت ایجاد و برقراری روابط و پیوندهای اجتماعی، تجربه احساس ارزشمندی و شایستگی، و کارآمدی در انجام فعالیت‌ها و احساس اثرگذاری بر محیط شخصی و توانایی دستیابی به پیامدهای ارزشمند فراهم نمی‌شود. از طرفی، احساس اشتیاق، سرحال بودن، خسته نبودن، شور و شوق، فرسوده نبودن و عدم تحلیل‌رفتگی که نشان‌دهنده سرزندگی و نشاط ذهنی است نیز، تجربه نخواهد شد. از این رو، اثرمستقیم و منفی بیگانگی از والدین بر نشاط ذهنی و نیاز به شایستگی و خودمختاری قابل درک است؛ اما فرضیه مبتنی بر اثرمستقیم بیگانگی از والدین بر نیاز ارتباط و اثرغیرمستقیم آن به واسطه نیازهای روانشناختی بر نشاط ذهنی تأیید نشد، این احتمال می‌رود که تجربه پاندمی کرونا و محدودیت‌های ارتباطی خانواده‌ها در زمان انجام این پژوهش بی‌تأثیر نبوده باشد. برای روشن‌گری به پژوهش‌های بیشتری نیاز است، بویژه آنکه محدودیت مطالعات و شواهد تجربی در این خصوص وجود دارد.

در بکارگیری یافته‌های پژوهش حاضر لازم است محدودیت جامعه مورد مطالعه به دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه مدارس دولتی شهر تبریز، شرایط زمانی انجام تحقیق و استفاده از ابزارخودگزارش‌دهی دقت شده و در تعمیم‌دهی یافته‌ها احتیاط نمود. اما، در راستای یافته‌ها و با در نظر گرفتن محدودیت‌های تحقیق، پیشنهادی زیر ارائه می‌شود: آزمون مدل پیشنهادی در شرایط عادی و بدور از عواملی مثل پاندمی که می‌تواند به تنهایی سرزندگی و نشاط ذهنی افراد را تحت تأثیر قرار دهد؛ مطالعات بیشتر در جامعه مورد مطالعه و گروه‌های دیگر؛ برگزاری کارگاه‌های آموزش خانواده و فرزندپروری مثبت به والدین در راستای توجه به ضرورت و چگونگی تامین نیازهای

اساسي روانشناختي نوجوانان و تقويت ساختارهاي خودتعيين گري به منظور ارتقاي شايستگي و خودمختاري دانش آموزان توسط اولياء مدارس؛ شكل دهی روابط والد- فرزندى سالم با پيش زمينه ايجاد روابط سالم همسران با هدف پيشگيري از ايجاد بيگانگي از والد بواسطه مثلث سازي ها، تباني ها و ائتلاف ها؛ توجه به مقوله دلبستگي و نقش اعتماد سازي در سال هاي ابتدايي زندگي کودک. در نهايت، بطور ويژه پيشنهاده مي شود برنامه هاي علمي، فرهنگي- اجتماعي و آموزشي مناسب و متناسب با آموزه هاي ديني در جهت نشاط افزايي نوجوانان در اولويت سياست گذاري هاي كلان كشوري قرار گيرد.

تعارض منافع: پژوهشگران هيچ گونه تعارض منفعي با يافته هاي پژوهشي نداشتند.

منابع

آقا يوسفي علي رضا، سراواني شهزاد، زراعتي رقيه، رازقي فاطمه السادات، و پورعبدل، سعيد. (۱۳۹۴). پيش بيني عملکرد تحصيلي دانش آموزان بر اساس سبك هاي دلبستگي و سطوح مختلف سازگاري. *مجله روانپزشكي و روانشناسي باليني ايران*، ۲۱ (۴)، ۳۰۸-۳۱۶.

<http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-2527-fa.html>

افشاني، سيدعلي رضا. (۱۳۹۴). بررسي ميزان نشاط اجتماعي در بين جوانان يزدي و عوامل مرتبط با آن. *تحليل اجتماعي*، ۷ (۲)، ۱-۲۷.

https://jsao.sbu.ac.ir/article_99178.html

واحدى، شهرام. (۱۳۹۳). تحليل چندسطحي از امانى ساري بگلو، جواد، سپهریان آذر، فيروزه، و فصلنامه علمي شناختي اساسي. خودبيگانگي تحصيلي نوجوانان: نقش فرهنگ مدرسه و نيازهاي روان پژوهش در يادگيري آموزشگاهي و مجازي، ۲ (۵)، ۴۳-۵۴.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23456523.1393.2.5.4.0>

بابانوری، فاطمه، رستمی، رضا و سرافزار، مهدی‌رضا. (۱۴۰۳). تبیین عوامل اثرگذار انتخاب سبک دلبستگی فرزندان بر مبنای سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرای والدین. *خانواده و بهداشت*، ۱۴(۲)، ۲۵-۱۱.

https://journal.astara.ir/article_713894.html

خسروی، سکینه. (۱۴۰۰). نقش مالکیت روانشناختی در ارضاء نیازهای روانشناختی و بای، ناصر، و *مطالعات بازاریابی احساس شادی مشتریان باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهرستان گنبدکاووس، ورزشی*، ۲(۳): ۱۷۹-۲۰۴.

https://gsmsmr.uok.ac.ir/article_62016.html

پیشخور، بهناز؛ خوش‌کش، ابوالقاسم؛ زاده‌محمدی، علی؛ قنبری، سعید؛ بیات، مریم. (۱۳۹۹). اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر دلبستگی به والدین و همسالان در نوجوانان دختر، *ماهنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان*، ۱(۱): ۳۶۲-۳۵۶.

<https://www.sid.ir/paper/1000308/fa>

تفرجی اسماء، و یوسفی فریده. (۱۴۰۰). رابطه هوش هیجانی با نشاط ذهنی: نقش واسطه‌ای خوددلسوزی. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۰(۹۸)، ۲۸۳-۲۹۴.

<http://psychologicalscience.ir/article-1-839-fa.html>

مرضیه. (۱۳۹۷). ساختار عاملی و ترکمنی، تنهای رشوانلو، فرهاد؛ کرامتی، راضیه؛ کارشکی، حسین؛ و تغییرناپذیری جنسیتی مقیاس سرزندگی ذهنی در دانشجویان. *فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۹(۳)، ۱-۱۴.

<https://doi.org/10.22059/japr.2018.69108>

جعفری نصرت، تجلی پریسا، قنبری پناه افسانه، شهریار احمدی منصوره. (۱۴۰۲). شناخت مدل علی بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان دارای نارسایی شنیداری بر اساس سبک‌های دلبستگی، جو عاطفی خانواده، حمایت اجتماعی و نقش میانجی امید به زندگی، *ماهنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان*، ۴(۱)، ۱۹۷-۱۸۲.

<https://ensani.ir/file/download/article/658c129502759-10593-1402-15.pdf>

خالق خواه، علی؛ و بابائی منقاری، محمدمهدی. (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی با نگرش دانش آموزان متوسطه شهرستان آمل در سال ۱۳۹۳. *مجله دين و سلامت*، ۲ (۲)، ۹-۱. دينی

<http://jrh.mazums.ac.ir/article-1-172-fa.html>

خلیلی تجربه، روناک و احمدیان، حمزه (۱۳۹۸). رابطه بین خوش‌بینی و نشاط ذهني با نقش واسطه‌ای تاب-آوری در سالمندان، *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۶ (۲)، ۵۷-۴۲.

<http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-627-fa.html>

دلاورپور، محمدآقا، و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک دلبستگی و سلامت روان با واسطه‌گری خلاقیت هیجانی. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۴ (۲)، ۴۵-۶۲.

<http://icssjournal.ir/article-1-483-fa.html>

روشن قیاس، عماد، بابائی منقاری، محمدمهدی، مهدوی، علی، و خالق خواه، علی. (۱۳۹۵). رابطه ساده و چندگانه سلامت روانی و سبک‌های دلبستگی با نگرش مذهبی دانشجویان. *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی*، ۱۲ (۴۶)، ۱۳۵-۱۵۳.

<https://doi.org/10.22081/jare.2017.45023>

سیدمجتبی. (۱۴۰۱). تعیین رابطه پیوند با زارع، فاطمه، رضایی فر، اکبر، افتخاری، حجت و بنی‌هاشمی، خانواده و بهداشت، ۱۲ (۲): ۱۱۵-۱۲۷. والدین و نشاط ذهني با واسطه‌گری جهت‌گیری انگیزشی.

https://journal.astara.ir/article_698513_91b742a1204ec507b92ef52ad4a27de3.pdf

سلیمانی سلیمان، محمدخانی پروانه، زهراکار کیانوش. (۱۴۰۲). تدوین مدل علائم نوموفوبیا در دانش آموزان بر اساس سبک دلبستگی، سواد رسانه‌ای و منبع کنترل با میانجی‌گری اعتیاد به اینترنت، *ماهنامه مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان*، ۴ (۳): ۱۱۴-۱۳۲.

https://mjms.mums.ac.ir/article_21611.html

شریفی، خدیجه، سوکی، زهرا، تقریبی، زهرا، و اکبری، حسین (۱۳۸۹). وضعیت نشاط و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان طی سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، نشریه فیض، ۱۴ (۱)، ۶۹-۶۲.

<http://feyz.kaums.ac.ir/article-1-875-fa.html>

شیخ‌الاسلامی، راضیه و دفترچی، عفت. (۱۳۹۴). پیش‌بینی نشاط ذهنی دانش‌آموزان براساس جهت‌گیری هدف و نیازهای اساسی روانشناختی. مجله روانشناسی، ۱۹ (۲)، ۱۷۴-۱۴۷.

<https://www.sid.ir/paper/54538/fa#downloadbottom>

صیف، محمد حسن. (۱۴۰۲). مدل علی روابط ادراک از بهزیستی دانشگاه فتحی، رضا، رستگار، احمد، و مدیریت و برنامه ریزی در .بر نشاط ذهنی دانشجویان با توجه به نقش واسطه ای اهداف پیشرفت نظام های آموزشی، ۱۶ (۲): ۱۳۷-۱۶۰.

<https://doi.org/10.48308/mpes.2023.103923>

اله، فرهادی، علی، و نقی بیرانوند، فاطمه. (۱۳۹۵). تعیین رابطه بین فرسودگی تحصیلی با پور، عزت‌قدم اشتیاق و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۸ (۲)، ۶۸-۶۰.

<http://rme.gums.ac.ir/article-1-324-fa.html>

قنبری طلب، محمد، و فولادچنگ، محبوبه. (۱۳۹۴). رابطه بین تاب آوری و نشاط ذهنی با استعداد اعتیاد دانشجویان. اعتیاد پژوهی، ۹ (۳۴)، ۲۲-۹.

<http://etiadpajohi.ir/article-1-270-fa.html>

عباسی، نرجس، و یوسفی، فریده. (۱۳۹۹). رابطه بین کنترل روان شناختی والدین و نشاط ذهنی دانشجویان: نقش واسطه ای تنظیم شناختی هیجان. روشها و مدل‌های روان شناختی، ۱۱ (۴۲)، ۳۱-۱۵.

https://jpmm.marvdasht.iau.ir/article_4595.html

کهلوت، نعيمه، و جوکار، بهرام. (۱۳۹۱). ارائه مدل علی برای شادی براساس ابعاد هویت با واسطه جهت گیری هدف. دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، ۱۳(۲)، ۸۳-۹۶.

<https://sanad.iau.ir/journal/jsrp/Article/533829?jid=533829>

محمدی حسینی اصل، فائزه، ساکن آذری، رعنا، عبدالتاجدینی، پرویز، و اقدسی، علی نقی. (۱۴۰۱). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر براساس ارضای نیازهای بنیادی روانشناختی، تنظیم شناختی هیجان و مجله روانشناسی و روانپزشکی سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری نشاط ذهني در نوجوانان دختر، شناخت، ۹(۲): ۱۱۷-۱۳۰.

<https://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1326-fa.html>

مغازه، کتایون، زارع بهرام‌آبادی، مهدی، و باقری، فربرز (۱۴۰۲). پیش‌بینی نشاط ذهني بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری سرمایه روان‌شناختی در زنان دارای شاخص توده بدنی بالا، زن و مطالعات خانواده، ۱۶(۵۹): ۹۵-۱۱۶.

https://journals.iau.ir/article_691465.html

موسیوند، محبوبه. (۱۴۰۰). الگوی ساختاری عملکرد خانواده، سرمایه روان‌شناختی، نیازهای روان‌شناختی با نشاط ذهني: نقش میانجی مسئولیت‌پذیری نوجوانان در دوران بلوغ، مجله علوم روان‌شناختی، ۲۰(۱۰۳): ۱۱۷۰-۱۱۴۷.

<https://psychologicalscience.ir/article-1-1114-fa.html>

یعقوبی، ابوالقاسم، یارمحمدی اصل، مسیب، و شمشیری، شمسی. (۱۳۹۹). رابطه سبک دلبستگی با مؤلفه فصلنامه های احساس ذهني بهزیستی و خلاقیت هیجانی در دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان. روان شناسی تربیتی، ۱۶(۶۵)، ۱۵۷-۱۸۰.

https://jep.atu.ac.ir/article_11949.html

References

Abolghaseminejad, P., Borhaninejad, V., Khanjani, N., Saber, M., & Alizadeh, S. (2023). Relationship between self-esteem and subjective vitality among

- older people in Iran. *Advances in gerontology = Uspekhi gerontologii*, 36(1), 57–62. PMID: 37192355 <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/37192355/>
- Arslan, G., Yıldırım, M., & Aytaç, M. (2022). Subjective vitality and loneliness explain how coronavirus anxiety increases rumination among college students. *Death studies*, 46(5), 1042–1051. <https://doi.org/10.1080/07481187.2020.1824204>
- Bay, N., & Khosravi, S. (2021). The role of psychological ownership in satisfying the psychological needs and customers' happiness feeling of private sports clubs in Gonbad Kavous city. *Sports Marketing Studies*, 2(3), 179-204. <https://www.doi.org/10.34785/J021.2021.893>
- Bernet, W., von Boch-Galhau, W., Baker, A. J. L., & Morrison, S. L. (2010). Parental Alienation, DSM-V, and ICD-11. *The American Journal of Family Therapy*, 38(2), 76–187. <https://doi.org/10.1080/01926180903586583>
- Binyamin, G., & Brender-Ilan. Y. (2018). Leaders's language and employee proactivity: Enhancing psychological meaningfulness and vitality. *European Management Journal*, 36(4), 463-473. <https://doi.org/10.1016/j.emj.2017.09.004>
- Bettmann, J.E., Jaspersen, R.A. (2008). Adults in Wilderness Treatment: A Unique Application of Attachment Theory and Research. *Clinical Social Work Journal*, 36, 51–61. <https://doi.org/10.1007/s10615-007-0134-0>
- Blalock, D. V., Franzese, A. T., Machell, K. A., & Strauman, T. J. (2015). Attachment style and self-regulation: How our patterns in relationships reflect broader motivational styles. *Personality and Individual Differences*, 87, 90–98. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2015.07.024>
- Bostic, T. J., Rubio, D. M., & Hood, M. (2000). A validation of the subjective vitality scale using structural equation modeling. *Social Indicators Research*, 52(3), 313–324. <https://doi.org/10.1023/A:1007136110218>
- Chen, K. C., and Jang, S. J. (2010). Motivation in online learning: Testing a model of selfdetermination theory. *Computers in Human Behavior*, 26, 741-752. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2010.01.011>
- Deci EL, Olafsen AH, Ryan RM. (2017). Self-Determination theory in work organization:The state of a science. *Annu Rev Organ Psychol Organ Behav*, 4, 19-43. <http://dx.doi.org/10.1146/annurev-orgpsych-032516-113108>

- Devoy, R., & Maguire, R. (2024). Effects of mindfulness and movement on affect and vitality. *Work (Reading, Mass.)*, 78(4), 1213–1223. <https://doi.org/10.3233/wor-230650>
- Felton, L. & Jowett, S. (2013). [Attachment and well-being: The mediating effects of psychological needs satisfaction within the coach–athlete and parent–athlete relational contexts](#), *Psychology of Sport and Exercise*, 14(1): 57-65. <https://doi.org/10.1016/j.psychsport.2012.07.006>
- Gargurevich, R., & Soenens, B. (2016). Psychologically controlling parenting and personality vulnerability to depression: A study in Peruvian late adolescents. *Journal of Child and Family Studies*, 25(3), 911–921. <https://doi.org/10.1007/s10826-015-0265-9>
- Gardner, R.A. (2001). Parental Alienation Syndrome (PAS): Sixteen Years Later. *Academy Forum*, 45 (1), 10–12. <http://www.fact.on.ca/Info/pas/gard01b.htm>
- Golden, N. H. (2023). Adolescent physical health. In B. Halpern-Felsher (Ed.), *Encyclopedia of Child and Adolescent Health (First Edition)* (pp. 733-734). Oxford: Academic Press. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-818872-9.00036-4>
- Golombek, K., Lidle, L., Tuschen-Caffier, B., Schmitz, J., & Vierrath, V. (2020). The role of emotion regulation in socially anxious children and adolescents: a systematic review. *European child & adolescent psychiatry*, 29(11), 1479–1501. <https://doi.org/10.1007/s00787-019-01359-9>
- Hahn, J., Oishi, S. (2006), Psychological needs and emotional well-being in older and younger Koreans and Americans. *Personality and Individual Differences*, 40(4), 689-698. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2005.09.001>
- Harman, J. J., Kruk, E., & Hines, D. A. (2018). Parental alienating behaviors: An unacknowledged form of family violence. *Psychological bulletin*, 144(12), 1275–1299. <https://doi.org/10.1037/bul0000175>
- Howell, A.J., & Demuynck, K.M. (2023). [Psychological flexibility and the Eudaimonic Activity Model: Testing associations among psychological flexibility, need satisfaction, and subjective well-being](#), *Journal of Contextual Behavioral Science*, 27, 65-71. <https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2022.12.002>
- Inguglia C, Ingoglia S, Leale I, Iannello NM, Gennaro A, Manzano-Sánchez D, Gómez-López M, Battaglia G. (2023). Psychological Antecedents of Italian Sport Coaches' Coaching Behaviors: The Role of Basic Psychological Needs,

- Motivation and Subjective Vitality. *Healthcare* (Basel), 11(20):2797. PMID: 37893871. <https://doi.org/10.3390/healthcare11202797>
- Ju H. (2017). The relationship between physical activity, meaning in life, and subjective vitality in community-dwelling older adults. *Archives of Gerontology Geriatrics*, 73, 120-124. <https://doi.org/10.1016/j.archger.2017.08.001>
- Kovacs-Balint, Z. A., Raper, J., Richardson, R., Gopakumar, A., Kettimuthu, K. P., Higgins, M., Feczko, E., Earl, E., Ethun, K. F., Li, L., Styner, M., Fair, D., Bachevalier, J., & Sanchez, M. M. (2023). The role of puberty on physical and brain development: A longitudinal study in male rhesus macaques. *Developmental Cognitive Neuroscience*, 60, 1–14. <https://doi.org/10.1016/j.dcn.2023.101237>
- Kelly, J. B., & Johnston, J. R. (2001). The alienated child: A reformulation of parental alienation syndrome. *Family court review*, 39 (3), 249-266. <https://doi.org/10.1111/j.174-1617.2001.tb00609.x>
- Kocayörük E, & Şimşek Ö.F. (2016). Parental Attachment and Adolescents' Perception of School Alienation: The Mediation Role of Self-Esteem and Adjustment. *Journal of Psychology Interdisciplinary and Applied*, 150(4), 405-421. <https://doi.org/10.1080/00223980.2015.1060185>
- Liu, Y.L. (2008). An Examination of Three Models of the Relationships between Parental Attachments and Adolescents' Social Functioning and Depressive Symptoms. *Journal of Youth and Adolescence*, 37, 941–952. <https://doi.org/10.1007/s10964-006-9147-1>
- Lowenstein, L.F. (2011). What if the Custodial Parent Refuses to Cooperate with Child Contact Decisions? *Journal of Divorce and Remarriage*, 52(5), 322-325. <http://dx.doi.org/10.1080/10502556.2011.585088>
- Mack, D. E., Wilson, Ph.M., Oster, K.G., Kowalski, K.C., Crocker, P.E. & Sylvester, B.D. (2011). [Well-being in volleyball players: Examining the contributions of independent and balanced psychological need satisfaction](http://dx.doi.org/10.1016/j.psychsport.2011.05.006), *Psychology of Sport and Exercise*, 12 (5), 533-539. <http://dx.doi.org/10.1016/j.psychsport.2011.05.006>
- Marques, T., Narciso, I., & Ferreira, L.C. (2020). Empirical research on parental alienation: A descriptive literature review, [Children and Youth Services](#)

- [Review](#), 119 (4), 1055-72.
<http://dx.doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105572>
- Martínez-González N, Atienza FL, Tomás I, Duda JL, Balaguer I. (2020). The Impact of Coronavirus Disease 2019 Lockdown on Athletes' Subjective Vitality: The Protective Role of Resilience and Autonomous Goal Motives. *Front Psychol.* 2021 Feb 10;11:612825. PMID: 33643114. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.612825>
- Matić, I., & Musil, V. (2023). Subjective Well-Being and Self-Assessed Health of Adolescents: A Longitudinal Cohort Study. *European journal of investigation in health, psychology and education*, 13(12), 2853–2862. <https://doi.org/10.3390/ejihpe13120197>
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2003). The attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal processes, *Advances in Experimental Social Psychology*, 35, 53-152. [http://dx.doi.org/10.1016/S0065-2601\(03\)01002-5](http://dx.doi.org/10.1016/S0065-2601(03)01002-5)
- Milyavskaya, M., & Koestner, R. (2011). Psychological needs, motivation, and well-being: a test of self-determination theory across multiple domains. *Personality and individual differences*, 50(3): 387-391. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2010.10.029>
- Miralles, P., Godoy, C. & Hidalgo, M.D. (2023). Long-term emotional consequences of parental alienation exposure in children of divorced parents: A systematic review. *Curr Psychol*, 42, 12055–12069. <https://doi.org/10.1007/s12144-021-02537-2>
- Mónaco, E., Schoeps, K., & Montoya-Castilla, I. (2019). Attachment Styles and Well-Being in Adolescents: How Does Emotional Development Affect This Relationship? *International Journal Environmental Research and Public Health*, 16(14), 25-54. <https://doi.org/10.3390/ijerph16142554>
- Muyan-Yılık, M., & Bakalım, O. (2022). Hope as a Mediator of the Link between subjective Vitality and Subjective Happiness in University Students in Turkey. *The Journal of psychology*, 156(3), 241–255. <https://doi.org/10.1080/00223980.2022.2028712>
- Poustie, C., Matthewson, M., & Balmer, S. (2018). The forgotten parent: The targeted parent perspective of parental alienation. *Journal of Family Issues*, 39(12), 3298–3323. <https://doi.org/10.1177/0192513X18777867>

- Qi, H., Kang, Q., Bi, C., Wu, Q., Jiang, L., Wu, D. (2023). Are Fathers More Important? The Positive Association between the Parent-Child Relationship and Left-Behind Adolescents' Subjective Vitality. *Journal of Child and Family Studies*, 32(11):1-13. <http://dx.doi.org/10.1007/s10826-023-02605-0>
- Ryan, R. M., & Frederick, C. (1997). On energy, personality, and health: Subjective vitality as a dynamic reflection of well-being. *Journal of Personality*, 65(3), 529-565. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6494.1997.tb00326.x>
- Ryan, R.M.; & Deci E.L. (2000). Self-determination, theory and the facilitation of intrinsic, motivation social development and well-being. *American Psychologist*, 55(1), 68-78. <http://dx.doi.org/10.1037/0003-066X.55.1.68>
- Sarman, A., & Tuncay, S. (2023). The associations of parental attitudes and peer bullying with alexithymia in adolescents: A structural equality model. *Journal of Pediatric Nursing*, 73, 372-380. <https://doi.org/10.1016/j.pedn.2023.10.003>
- Sîrbu, A.G.; Vintilă, M.; Tisu, L.; Ștefănuț, A.M.; Tudorel, O.I.; Măguran, B.; Toma, R.A. (2021). Parental Alienation-Development and Validation of a Behavioral Anchor Scale. *Sustainability*, 13, 316. <https://doi.org/10.3390/su13010316>
- Tristán J, Ríos-Escobedo RM, López-Walle JM, Zamarripa J, Narváez MA, Alvarez O. (2021). Coaches' Corrective Feedback, Psychological Needs, and Subjective Vitality in Mexican Soccer Players. *Front Psychol*, 4;11: 631586. PMID: 33613369. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.631586>
- Vergara-Torres AP, Tristán J, López-Walle JM, González-Gallegos A, Pappous AS, Tomás I. (2020). Students' Perceptions of Teachers' Corrective Feedback, Basic Psychological Needs and Subjective Vitality: A Multilevel Approach. *Front Psychol*. 8;11:558954. PMID: 33132964. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.558954>
- Vansteenkiste M, Ryan RM, Soenens B. (2020). Basic psychological need theory: advancements, critical themes, and future directions. *Motivation and Emotion*, 44, 1-31. <https://doi.org/10.1007/s11031-019-09818-1>
- Walsh, C.S., Kliewer, W. & Sullivan, T.N. (2024). Adolescents' Subjective Well-Being: The Unique Contribution of Fathers. *Child Youth Care Forum*. <https://doi.org/10.1007/s10566-024-09801-z>